

بگذار تا بنالم، از نشر در رسانه!

الو! صدایمید؟ آهان! به لحظه فکر کردم قطع شد. ببین! آسایش به ناشر، تفسیر این دو حرف است؛ کدوم دو حرف؟ «آه» و «نال»! این فرمول، سوای نشر، همیشه خدا جواب داده. تا حالا دیدی وقتی از کسی



رضا احسان‌پور

شاعرو طنزپرداز

می‌پرسند «خب! چه حال و احوال؟ اوضاع خوبه؟» دربیاد بگه «عالی!» می‌دونی چراندیدی؟ چون چندتا چیز، مردم رو شرطی کرده که هی بنالند؛ حتی اگه وضع شون خوب باشه! یکی این که چشم نخورند. چی؟ آره! چشم! چی؟ اعتقادنداری؟ باشه نداشتنه باش ولی احتیاط شرط عقله؛ بنال! دلیل دوم، ترس از حسادت این و اونه. من که رفیقتم نه، ولی حتی رفیقتم هم ممکنه یه روزی بهت حسودی کنه. آدم به اونی حسادت می‌کنه که وضعش بهتره. من که بخیل نیستم؛ ان شاء... نشر ت بجایه؛ اگه نونت رفت تو روغن، روغنش رو که هیچ، حتی نگو نون داری! سومیش هم مالیاته؛ یادمه اون زمان که برای اولین بار می‌خواستند ملت رو سرشماری کنند، آقای خدایامرمز... خدا اموات شمارو هم بیمارمه... آره! آقای خدایامرمز وجود ما بچه‌ها رو کلا منکر شد؛ اگه در خونه‌مون رو ننه... اونم خدا بیمارمزدش، باز نکرده بود، آقام حتی به مأمره می‌گفت «مجردم!» خدایامرمز تا آخر عمرش می‌گفت کاش اون روز به مأمره گفته بودم، ننه‌تون، ننه خودمه! بین اتوی این ۸۰ میلیون، این قدر آدم هست بده که اگه من و تو ندیم، مالیات پالیات چیزیش نمی‌شه... خدا ننه شما رو هم بیمارمه.

این‌ها به کنار؛ بذار چندتا دلیل حرفه‌ای و صنفی هم برای آه‌وناله بهت بگم و ختم کلام. من از چند سال پیش که گذاشته‌ام پشت نالیدن، نه تنها حق التالیف نمی‌دم که حتی از نویسنده‌ها، پول هم می‌گیرم برای مشارکت در چاپ. مهم‌تر از همه این که آدم فرهنگی و روشنفکر باید خسته باشه. کی دیده روزنامه یا سایتی تیتیر بزنه از یه نفر که: «اوضاع نشر خوب است و فلان و بهمان»؟ مخاطب این حرف‌ها کمه. یارو میاد تیتیر رو می‌بینه، تهش با خودش می‌گه «خب! خوبه که خوشحالی؛ چرا تو چشم ما می‌کنی؟»

مهم‌تر از اون مهم‌تر از همه قبلی چیه؟ این؛ اگه نالی، می‌کن «فلانی از خودشونه!» اگه یه روز از خودشون هم شدی، بنال. حتی خود اون «خودشون»، بهت می‌کن بنال که بقیه نفهمند از خودشونی. البته ناله داریم تا ناله! ناله خودشونی‌ها، کبریت کم خطر. این رو گفتند نگم، ولی من فقط به تو می‌گم و تو ولی به کسی نگو؛ من گاهی چطور می‌نالدین رو هم از خودشون می‌پرسم. مهمه که همه چیز آدم به روز باشه؛ حتی نالیدنش! فقط حواست باشه از اون ور بوم نیفتی؛ اول بذار بقیه بنالند، ببین موضوع ناله‌هاشون چیه، تو هم از همون‌ها بنال. از خودت ناله جدید اختراع نکنی! یهو یه کاریت می‌کنند که واقعا بنالی! کی؟ چه کار؟ بماند! برو اسم من رو تو ی گوگل جست و جو کن، چندتا از آه و ناله‌های قبلی‌ام رو بخون تا دستت بیاد، وقتی از آه و ناله حرف می‌زنم از چه حرف می‌زنم. الو! صدایمید؟!



گزارشی از یک کتابفروشی موفق؛ پردیس کتاب مشهد

بهشت حاج رضا و پسرش در خراسان

شنیدن فایل‌های نمونه کتاب گویا و موسیقی را فراهم می‌کند. پردیس کتاب هر هفته نشست‌های فرهنگی در موضوعات مختلف برگزار می‌کند که حتی در فضای مجازی به شدت با استقبال مواجه شده است. این نشست‌ها با عنوان «دوشنبه‌ها و جمعه‌های پردیس کتاب» میزبان نویسندگان و اندیشمندان بزرگی است که شکل و شمایل متفاوت و جالبی به کتابفروشی می‌دهند. پردیس کتاب، در فضای مجازی هم فعالیت جدی دارد. چه در زمینه تبلیغ و ترویج و چه در زمینه فروش اینترنتی. از فروشگاه اینترنتی پردیس کتاب مشهد می‌توان از همه جای ایران کتاب خرید و در مشهد علاوه بر خرید اینترنتی، خرید تلفنی نیز فعال است. کتاب‌های خریداری‌شده در بسته‌بندی ساده و شکیل و کادوپیچ شده به دست مخاطب می‌رسد. شب‌های منتهی به سال نو، در پردیس مثل همه ایران، حال و هوای نوروز برپا می‌شود. در آن روزها روی کتاب خریداری‌شده یک آلبوم موسیقی هدیه داده می‌شود. علی‌رغم وضع اقتصادی نابسامان مردم در این روزگاران، اما حال پردیس کتاب مشهد خوب است و هنوز بوی قهوه‌اش مشام را نوازش می‌دهد و آدم‌ها کنج‌های پردیس را دوست دارند و پناه می‌برند به کتاب و کلمه.

پس از افتتاح پردیس کتاب، حاج رضا به کتابفروشی قدیمی خود برگشت و چراغ آنجا را روشن نگاه داشت؛ چه این که آن کتابفروشی بخشی از هویت فرهنگی مشهد شده و چراغش باید برای همیشه روشن بماند. مدیریت این کتابفروشی بزرگ و زیبا هم به پسر حاج رضا (علی رجب‌زاده) سپرده شد تا تجربیاتی را که سال‌ها در کتابفروشی پدر کسب کرده بود به خدمت بگیرد. پردیس کتاب همیشه شلوغ است. کسانی که زیاد به پردیس می‌روند متوجه می‌شوند که دکور پردیس ثابت نمی‌ماند و تمام قفسه‌ها چرخ‌هایی دارند که باعث می‌شوند به فراخور جلسات و نشست‌ها و زمان و تقویم، در مدت کوتاهی تغییر شکل دهند. طبقه اصلی پردیس مملو از کتاب در دسته‌بندی‌های موضوعی مختلف و متنوع است و در میانه قفسه‌ها راهنمایان کتاب شمارا برای داشتن خریدی بهتر کمک می‌کنند. حتی می‌توان خرید هم نکرد! کتابی را برداشت و در گوشه‌ای دنج از فروشگاه نشست و مطالعه کرد و بعد درباره خریدن یا نخردن آن تصمیم گرفت. طبقه بالای پردیس تقریباً غیرکتابی است و دنیایی از نوشت افزارهای مختلف، اسباب بازی، کتاب صوتی و آلبوم‌های متنوع موسیقی در آن دیده می‌شود. اتاق موسیقی کوچکی هم در طبقه بالا تعبیه شده که امکان

یکی از خیابان‌های قدیمی مشهد که خاطرات و مخاطرات زیادی را در گذر تاریخ به خود دیده است، خیابان دانشگاه و چند فرعی مهم آن است که چهارراه دکتر و کمی پایین‌تر از آن سه



عطیه هراتی مطلق

خبرنگار

راه ادبیات، به دلیل وجود سه دانشکده پزشکی، علوم تربیتی و ادبیات، همواره محل رفت و آمدهای فرهنگی و ادب و کتاب بوده است. با این که سال‌هاست دانشکده ادبیات از آن محل کوچانده شده اما همچنان سه راه این سینیای مشهد به نام سه راه ادبیات شناخته می‌شود. بیش از ۵۰ سال پیش انتشارات امام در وسعتی به اندازه ۵۰ مترمربع در چهارراه دکتر به همت کتاب‌دوستان مشهدی راه اندازی شد و رضا رجب‌زاده، جوان انقلابی و فرهنگی آن سال‌ها مدیریت این فروشگاه را بر عهده گرفت. این انتشارات در مدت زمان کوتاهی توانست به پاتوق تهیه کتاب مشهدی‌ها تبدیل شود. آنجا برای هر سلیقه‌ای کتاب داشت و نیاز مشتریان مختلف را برطرف می‌کرد. حاج رضا رجب‌زاده در کتابفروشی‌اش هیچ کالای دیگری جز کتاب عرضه نمی‌کرد و حتی کتاب‌های نفیس و گران، جایی در کتابفروشی او نداشتند. با این حال انتشارات امام همیشه مشتری داشت. محدودیت‌های این مغازه ۵۰ متری حاج رضا را بر آن داشت تا طرحی نو دراندازد.

فضای کتابفروشی امام در احاطه کامل کتاب‌ها بود و حتی نمی‌شد توقف طولانی مدت در فروشگاه داشت؛ چه برسد به نشستن و گپ و گفت و کتاب‌بازی. از طرفی مغازه ۵۰ متری و انباری ۴۰ متری آن اجازه نمی‌داد تا تعداد عناوین موجود در کتابفروشی از حدی بالاتر برود. این محدودیت‌ها باعث شد حاج رضا که حالا پسری جوان و با انرژی داشت، به این فکر بیفتد که منزل مسکونی‌اش را تبدیل به یک کتابفروشی بزرگ و زیبا کند. ملک مسکونی حاج رضا که در آن سوی خیابان روبه‌روی انتشارات امام واقع بود، در مدت کوتاهی تغییر کاربری داد و توسط یک تیم حرفه‌ای، بنای جدید ساخته شد و پردیس کتاب مشهد با ظاهری زیبا و چشم‌نواز و وسیع، چشم و دل اهالی کتاب و فرهنگ را روشن کرد.

آگهی فراخوان مدیریت پیمان

شرکت تعاونی مسکن اداره کل اخبار
جام جم سازمان صدا و سیما
جمهوری اسلامی ایران به شماره ثبت
۳۹۳۰۰۸ در نظر دارد، ساخت واحدهای
مسکونی متعلق به این تعاونی واقع
در منطقه ۲۲ تهران را از طریق مدیریت
پیمان از طریق مناقصه انجام نماید.
لذا از علاقمندان که توانایی فنی و مدیریتی و
تجربه لازم جهت انجام امر فوق را دارند دعوت
به عمل می‌آورد پیشنهادات خود را حداکثر
به مدت یک هفته از تاریخ انتشار آگهی از
طریق شماره تلفن‌های ذیل اعلام و ارسال
نمایند. از میان پیشنهادات رسیده به بهترین و
مناسب‌ترین طرح برگزیده قرار داد منعقد خواهد
شد. لازم به توضیح است هیات مدیره تعاونی
در رد یا قبول پیشنهادت رسیده مختار است.
دفتر تعاونی: ۰۲۱۴۴۷۱۱۴۹۳
آقای ابوالفضل کاظمیان: ۰۹۱۲۳۲۱۹۵۰۳

آگهی مزایده فروش واحدهای تجاری

شرکت تعاونی مسکن جام جم
سازمان صدا و سیما به شماره ثبت
۳۹۳۰۰۸ در نظر دارد، تعدادی از واحدهای
تجاری احداث شده در منطقه ۲۲
تهران را از طریق مزایده و به قیمت
پایه کارشناسی به فروش رساند.
قیمت پیشنهادی متقاضیان باید
بالاتر از قیمت پایه کارشناسی باشد.
متقاضیان برای بازدید و ارائه پیشنهادات
خود می‌توانند از تاریخ چاپ آگهی به مدت
یک هفته به آدرس: شهرک راه آهن، میدان
ساحل، مجتمع ارغوان مراجعه نمایند.
هیات مدیره تعاونی بر اساس رعایت حقوق
اعضای خود در رد یا قبول پیشنهادت رسیده
مختار است.
تلفن‌های تماس:
دفتر تعاونی: ۰۲۱۴۴۷۱۱۴۹۳
آقای ابوالفضل کاظمیان: ۰۹۱۲۳۲۱۹۵۰۳